

سنجش ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی در سیاست‌های مداخله در محلات ناکارآمد شهری

مجتبی رفیعیان*، حسین احمدزاده نانا**

مقدمه: فرسودگی در محلات شهری، شکل‌های کالبدی و غیر کالبدی (عملکردی و اجتماعی) قابل ردیابی است و به فراخور، رویکردها و راهکارهای مختلفی را برای مداخله در محل و برخورد با مسئله طلب می‌کند. جهت برنامه‌ریزی برای توسعه ظرفیت‌های محلی به ویژه ظرفیت مشارکت اجتماعی به عنوان عنصری تأثیرگذار و چند بعدی - که علاوه بر تسهیل روند مداخله کالبدی، آثار بازگشتی و مهمی در بازسازی پیوندها و ساختارها و روابط اجتماعی محلی نیز دارد - به شناخت و ارزیابی آن‌ها در محلات هدف نیاز خواهد بود.

روش: جهت ارزیابی و تحلیل این ظرفیت‌ها، در این مقاله پس از بررسی مفاهیم مرتبط با ظرفیت‌سازی و سرمایه اجتماعی، با اتخاذ رویکرد اجتماع محور به عنوان الگوی عمل، به شناسایی و تدوین شاخص‌ها و زیر شاخص‌ها پرداخته شده است تا با بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده از طریق پژوهش میدانی، شدت و ضعف، میزان اثرگذاری و ارتباط میان این شاخص‌ها مورد تحلیل قرار گیرد.

یافته‌ها: بخش تحلیل اطلاعات شامل دو مرحله است: ۱- توصیف داده‌ها با استفاده از جداول توزیع فراوانی و شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی و ۲- تعیین تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل مسیر و تحلیل رگرسیون.

نتایج: نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با وجود «حس تعلق به مکان» اندک در میان ساکنان محدوده، اکثر پاسخ‌گویان (۸۷/۲٪) در سطح متوسط و بالاتر از آن تمایل به مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای دارند. در مورد متغیر وابسته مشارکت اجتماعی، متغیرهای مستقل مدت اقامت در محل همبستگی اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی بر متغیر وابسته تأثیر مستقیم می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: بهسازی و نوسازی، رویکرد اجتماع محور، سرمایه اجتماعی،

ظرفیت‌سازی، مشارکت اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۵/۱۲/۸۷ تاریخ پذیرش: ۲۷/۶/۹۱

* دکتر شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس <Iman.khalife@gmail.com> (نویسنده مسئول)

مقدمه

در علوم اجتماعی، به مقوله مشارکت اجتماعی هم به عنوان یک هدف و ارزش نگریسته می‌شود و هم به عنوان یک ابزار. ابزاری که می‌توان آن را به فراخور، در اجتماعات به کار بست. از آن جا که اجتماع شهری، موضوع کار شهرسازی است می‌توان به بهره‌گیری از ابزار یاد شده با شیوه‌هایی که از تلاقی دو دیدگاه شهرسازانه و جامعه‌شناسانه حاصل می‌شوند، اندیشید و محصول را با در نظر گرفتن مقتضیات جامعه شهری (یا محلی) به نحو مقتضی با ادبیات مدیریت و برنامه‌ریزی شهری تطبیق داد.

ظرفیت‌های مشارکتی می‌توانند به عنوان بخشی از دارایی‌های بالقوه جامعه محلی در خدمت اقدامات مداخله‌جویانه در مناسبات محلی قرار گیرند. به ویژه که این ظرفیت‌ها به دلیل خصلت‌های جامعه و انسانی، از قابلیت نوزایی، باز تولید، ابتکار و اصلاح برخوردارند.

بافت‌های فرسوده و محلات ناکارآمد شهری به عنوان واقعیتی نامطلوب همواره از سویی دغدغه ذهنی مدیران شهری و متفکران این عرصه بوده و از سوی دیگر حامل اثرات محیطی و اجتماعی نامطلوب برای ساکنین این محلات و نیز برای سیستم شهری بوده است. چنانچه محله را به عنوان یک سیستم (یا زیر سیستم) شهری در نظر آوریم، پیش از هر گونه اقدام برای مداخله، به شناخت چند سویه‌ای از مقتضیات و ساز و کار سیستم و نیز رویکرد و مفاهیم نظری پشتیبان مداخله، نیاز خواهیم داشت. به ویژه آن که مداخله در پی ارتقاء عملکرد و بازدهی سیستم باشد. اقدام برای مداخله، پیش از هر چیز مستلزم اتخاذ رویکردی متناسب با مسئله به عنوان الگو و جان‌مایه اقدام است. بخشی از فرآیند شناخت می‌تواند آگاهی از معضلات و گره‌گاه‌ها، به مثابه نقاط کلیدی تمرکز باشد و در نهایت شناخت کافی از دارایی‌ها و امکانات درون سیستم به عنوان تکیه‌گاهی مناسب برای توازن هزینه‌ها و نیز کارآمدی و پایداری فرآیند مداخله - که دستور کار رویکرد دارایی مبنای است - مد نظر است.

پژوهش حاضر در صدد شناخت و ارزیابی قابلیت‌ها و محدودیت‌های موجود در

مناسبات اجتماعی محلی است تا در گام‌های بعدی به گونه مقتضی، از نتایج حاصله در راستای کارآمدی و پایداری فرآیند بهسازی و نوسازی بافت استفاده گردد. یکی از اهداف این پژوهش، شناسایی عوامل اثرگذار بر مشارکت اجتماعی است تا امکان تقویت و توسعه این شاخص‌ها را افزایش دهد. در این مقاله با استفاده از روش‌های تحلیل آماری، مولفه‌های تأثیرگذار بر متغیر وابسته «مشارکت اجتماعی» را به عنوان یک عامل مهم و تأثیرگذار در کارآمدی فرایندهای مداخله در محلات شناسایی کرده‌ایم. به نظر می‌رسد که بسیاری از شاخص‌ها (به عنوان نمونه «وابستگی مکانی»، «محل کار افراد» و «مالکیت مسکن») با متغیر مشارکت اجتماعی ارتباط قوی ای داشته باشند، حال آن که بر طبق نتایج پژوهش، این ارتباط یا مشاهده نشد و یا در سطح ضعیفی وجود داشت.

محلۀ هادی آباد قزوین به عنوان نمونه مطالعاتی برگزیده شده است. هادی آباد به دلیل واقع شدن در محدوده داخلی شهر قزوین و مجاورت با چند منطقه اداری و آموزشی و نیز به دلیل ویژگی‌های کالبدی و کارکردی خاص، موقعیتی ویژه و اثرگذار دارد. بررسی تاریخچه شکل‌گیری و تحولات روی داده در هادی آباد و بافت ساکنین آن، نشان‌گر مجموعه‌ای از شباهت‌ها و تفاوت‌ها با سایر محلات و بافت‌های مسئله دار و نا کارآمد شهری است. از یک سو هم‌چون بسیاری از آنان از فرسودگی‌های کالبدی رنج می‌برد (چرا که محصول نوعی شهرسازی غیر رسمی است) و از سویی دیگر به دلیل هویت پررنگ محلی و نیز ترکیب جمعیتی و قومیتی خاص دارای ویژگی‌های چندگانه‌ای است که محدودیت‌ها و قابلیت‌هایی را برای توسعه به وجود آورده‌اند. روش تحقیق این مقاله، مبتنی بر ماهیت مسئله مورد پژوهش، روش تحلیلی - توصیفی است.

بیان مسئله، مبانی و رویکردها

یکی از اهداف پژوهش حاضر، رسیدن به مدلی برای افزایش مشارکت اجتماعی در محلات مسئله دار و ناکارآمد شهری است. گونه‌های مختلف این بافت‌ها از چندین منظر

موضوع بحث و تحقیق بوده‌اند. سیر مواجهه دولت‌ها و کارشناسان نسبت به چنین مسائلی حاکی از این اصل است که توانمندسازی اجتماعی و جلب مشارکت ساکنان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت‌ها به عنوان رویکردی مقبول و موجه، در کنار سایر راهکارها، شیوه‌ای موفق و توصیه شده است. در ادبیات جدید توسعه و نوسازی شهری، با توجه به اهمیت نقش مردم در توسعه، از آنان به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود. اصطلاح تخصصی توسعه از پایین به بالا نیز ناظر به نقش مشارکتی مردم است.

مفاهیم اصلی مطرح شده در بحث مشارکت اجتماعی از جمله تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با مشارکت مردم، نظارت مردم در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرا، تأکید بر نقش سازمان‌های محلی و سایر مفاهیم، همگی نشان از تدوین پارادایم جدیدی در برنامه‌ریزی و مدیریت سطوح کلان و خرد شهری دارند. با توجه به نوپایی این پارادایم، ضروری است شناخت دارایی‌های محلی و ظرفیت‌های قابل توسعه این دارایی‌ها مدنظر قرار گیرد. به عنوان نمونه مطالعاتی، محله هادی‌آباد به عنوان یکی از چند محله مسئله‌دار قزوین دارای جنبه‌های بارز فرسودگی (فرسودگی کالبدی، فرسودگی عملکردی و فرسودگی در روابط و مناسبات اجتماعی) است. هادی‌آباد به دلیل بافت ویژه اجتماعی و فرهنگی دارای محدودیت‌ها و ظرفیت‌های ویژه‌ای است که ارزیابی و شناخت آن‌ها پیش از اتخاذ رویکردهای اجتماع محور امری است ضروری. چنانچه نیاز به یک برنامه کلی جهت ایجاد تغییرات اساسی در نهادها و سازمان‌های مدیریت محله را متصور بدانیم، آنگاه نقش نیروهای اجتماعی سازمان یافته جهت فرمولیزه کردن استراتژی‌های ظرفیت‌سازی به عنوان بخشی از این برنامه کلی آشکار خواهد شد.

با این پیش فرض که فعلیت بخشیدن به امکانات و ظرفیت‌های اجتماعی برای مواجهه با فرسودگی‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی از طریق نهادهای بهسازی و هدایت این سرمایه‌ها از مسیر نهادها و تشکل‌های محلی به نهادهای رسمی تصمیم گیر و برنامه ریز در زمینه امور شهری تحقق می‌یابد، این مقاله در پی تعریف شاخص‌های مبین ظرفیت‌های

مشارکت اجتماعی محله‌ای است. پس از تعریف این شاخص‌ها با استفاده از شیوه‌های آماری به بررسی و نیز تبیین ارتباط بین برخی از آن‌ها پرداخته‌ایم. در این مسیر رویه تحقیق بدین صورت بوده است:

در شناخت محدوده‌ی مطالعاتی و جمع‌آوری اطلاعات به منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات به‌دست آمده از پژوهش‌های میدانی استناد شد. پرسش‌نامه‌ی مورد استفاده در پژوهش میدانی، با توجه به شاخص‌ها و زیر شاخص‌های انتخاب شده، تهیه و اصلاح گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات با توجه به شاخص‌های انتخاب شده و ارتباط میان آن‌ها صورت گرفت.

مبانی نظری و رویکرد اتخاذ شده در این مقاله

ظرفیت‌سازی^۱

آنچه از تعاریف و ادبیات مرتبط با ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌سازی اجتماعی^۲ دریافت می‌شود، حامل مفاهیمی چون ساختن و گسترش پتانسیل‌های مهارتی در یک منطقه، به وجود آوردن و تداوم بخشیدن به روند قدرت‌دهی به اعضای یک جامعه، استفاده از پتانسیل‌های موجود در اجتماع، چون سرمایه اجتماعی، جهت پیشبرد اهداف و سایر مفاهیم می‌باشد. ظرفیت‌سازی نوآوری‌های توسعه محله‌ای به کارآمدی مؤسسات نهادی محله‌ای و همچنین به کارآیی شهرداری و سایر سازمان‌های عمومی در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. (پیربابایی، ۱۳۸۳).

پاتریک واکلی^۳ که مقاله پس‌زمینه‌ای^۴ را در باب ظرفیت‌سازی برای هیئات نگاشته است معتقد است که ظرفیت‌سازی فرآیندی دائمی، قابل انعطاف، تأثیر پذیر و پاسخ‌گوست که تمام بازی‌گران^۵ را شامل می‌شود. (Wekely, 2008). ظرفیت‌سازی بخشی است از یک مفهوم چندسویه که معانی نه چندان جدیدی را مطرح می‌سازد:

1- Capacity Building
4- background

2- Social Capacity Building
5- Stake holders

3- Wakely Patrick

وکالت‌دهی^۱، قادرسازی^۲، مشارکت، حمایت، تمرکززدایی^۳، توسعه‌بخشی^۴، بازتنسيق^۵ و خصوصی‌سازی^۶.

بازتعریف هریک از این مفاهیم از دیدگاه «ظرفیت‌سازی» به‌عنوان یک فرآیند یا الگو و تلاش برای نزدیک شدن به یک تعریف از این مفهوم، نظر را معطوف به مسئله قدرت و انتقال قدرت می‌کند. بدیهی است پیش از هر گونه اقدام جهت ارائه تعریف عملی باید درکی از شرایط ذهنی و الگوی مواجهه دولت و نیز دولت محلی با مفهوم «انتقال قدرت» به‌دست آورد. برای نیل به اثرات مثبت ظرفیت‌سازی باید هر سه جنبه توسعه منابع انسانی^۷، توسعه نهادی^۸ و توسعه سازمانی^۹ را مد نظر قرار داد. (ipid,2008)

سرمایه اجتماعی^{۱۰}

سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده است. به منظور تبیین فضای مفهومی این اصطلاح از واژگان و تعابیر مختلفی چون انرژی اجتماعی^{۱۱}، روحیه محلی^{۱۲}، پیوستگی‌های اجتماعی^{۱۳}، زندگی محلی^{۱۴}، چسب اجتماعی^{۱۵} استفاده شده است. سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد ملازم با آن اشاره دارد. (غفاری، ۱۳۸۳، به نقل از موسوی، ۱۳۸۵)

هنی فن^{۱۶} در سال ۱۹۲۰ برای نخستین بار اصطلاح سرمایه اجتماعی را مطرح کرد و مقولاتی نظیر حسن تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی و روابط اجتماعی در بین اعضای یک واحد اجتماعی را از نتایج آن برشمرد. (زاهدی اصل، ۱۳۸۳) (حذف شد).

- | | | | | |
|-------------------------------|-------------------------------|---------------------|------------------------------|-----------------|
| 1- empowerment | 2- enabling | 3- decentralization | 4- devolution | 5- deregulation |
| 6- privatization | 7- human resource development | | 8- institutional development | |
| 9- organizational development | 10- social capital | | 11- social energy | |
| 11- community spirit | 13- social bonds | | 14- community life | |
| 15- social glue | 16- Hanniffin | | | |

جدول ۱. تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی

نام نظریه پرداز	تعریف سرمایه اجتماعی
کلمن	- سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود.
لوری	- مجموعه منابعی که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی وجود دارد و برای رشد اجتماعی افراد سودمند است.
فوکویاما	- مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی.
بانک جهانی	- ثروت ملی که در برگیرنده نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی صرفاً شامل مجموعه‌ای از نهادهای یک جامعه نمی‌شود، بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.
کوهن و پروساک	- شامل پیوندهای فعال ذخیره شده در میان اعضای جامعه چون اعتماد، فهم متقابل، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک که عمل همکاری را امکان‌پذیر می‌سازد.

مأخذ: موسوی، ۱۳۸۵

مشارکت اجتماعی

کلمه مشارکت معادل اصطلاح «Participation» انگلیسی است. این کلمه از ریشه «Part» به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده است و به معنای سهم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است. گاهی دو اصطلاح «Association» و «Partnership» نیز معادل با اصطلاح مشارکت «Participation» آورده می‌شود (احمد حامد مقدم، ۱۳۷۳).

مشارکت عبارت است از فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند (علیرضا محسنی تبریزی، ۱۳۷۵) در دانشنامه برنامه‌ریزی شهری، مشارکت عمومی این‌گونه تعریف شده است: مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که به وسیله آن اعضای جامعه قادر می‌شوند تا در تدوین سیاست‌ها و طرح‌هایی شرکت کنند که بر روی محیط زندگی آن‌ها مؤثر است

(به نقل از حسینی، ۱۳۸۳). مک کراکن و ناراین مشارکت را فرآیندی می‌دانند که از طریق آن مشارکت کنندگان بر روی ابتکارات توسعه، تصمیمات و منابعی که آن‌ها را متأثر می‌سازد، اثر گذاشته و در آن‌ها سهیم می‌شوند (شوریایی، ۱۳۸۶).

آنچه در سایر تعاریف مرتبط یافت می‌شود عبارت است از عناوین و مفاهیمی چون: انتقال قدرت، کمک متقابل، رفتار کم و بیش سازمان‌یافته، تلاش و اقدام مشترک، منافع مشترک (رستمی، ۱۳۸۲)، توسعه از پایین، توسعه مستقل و متکی به خود، توسعه از درون، توسعه انسان‌محور (سعیدی، ۱۳۸۲)، مدیریت محلی (شوریایی، ۱۳۸۶).

با ورود دانشمندان اجتماعی به امر توسعه و نیز کمک برخی نهادهای بین‌المللی و گسترش روش‌های مشارکتی، دخالت مردم‌شناسان اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی شاهد انتقال از پارادایم اشیاء که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر مباحث توسعه حاکم بوده است، بر پارادایم مردم هستیم. پارادایمی که محور توسعه را مردم و به ویژه گروه‌های کم درآمد قرار می‌دهد. (ازکیا و غفاری به نقل از رستمی، ۱۳۸۲)

مضمون اصلی مشارکت در محلات حاشیه‌ای توانمندسازی مدنی ساکنین است. (خاتم، ۱۳۸۳)

مشارکت اجتماعی در بیست تا سی سال اخیر در بسیاری از کشورها، نقش عمده‌ای در طراحی برنامه‌های مرتبط با بهسازی و نوسازی شهری پیدا کرده است. برای مثال کشورهای انگلستان یا سایر کشورهای اروپایی، همچنین آمریکا و استرالیا رویکردهای مبتنی بر مشارکت در برنامه‌های مذکور عمدتاً بر پایهٔ ایدئولوژی مشارکت شکل گرفته‌اند (Muir, 2004). بر همین اساس بسیاری از سازمان‌های غیردولتی و NGOها در بسیاری مناطق مانند کاپاتاون آفریقای جنوبی (lisaralde, 2007) و سنگاپور (Yuen and soh, 2005) به فعالیت مشغولند چنانچه با تقریب خوبی می‌توان سمت‌گیری این نهادهای مشارکت محور را همسو با تصمیم‌گیری اجتماع^۱ دانست.

1- The Decision of the Community

رویکرد اجتماع محور

چالش‌ها و تبعات پیش روی جهانی شدن در پیوند با رویکردهای اجتماعی به مقوله توسعه، باعث توجه به نقش بخش مردمی و ابعاد محلی توسعه گردیده است. رویکرد اجتماعی و پایدار به توسعه، بیش از همه بر نقش بخش داوطلبانه و مردمی، توسعه محلی و سازمان‌های اجتماع محور^۱ تأکید دارد.

توسعه مبتنی بر سازمان‌های اجتماع محور، فرآیندی است که در آن گروه‌های اجتماعات محلی پیش قدم شده، سازمان دهی و اقدام می‌کنند، تا به علایق و اهداف مشترک دست یابند. (نارایان و آبه، ۱۳۸۳)

روش‌شناسی و شاخص‌های تحلیل

روش تحقیق مقاله، با تبعیت از ماهیت مسئله، روش تحلیلی - توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات، پیمایش میدانی و توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه در جامعه آماری است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و همچنین آزمون فرضیات تحقیق از تکنیک‌های متداول در نرم‌افزار Spss استفاده شده است. به طور کلی تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو مرحله به شرح ذیل انجام یافته است:

مرحله اول- در این مرحله هریک از متغیرها به صورت تحلیل یک متغیره و براساس آمارهای مرکزی و پراکنندگی مورد تجزیه و تحلیل و توصیف قرار گرفت.

مرحله دوم- در مرحله دوم تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل چند متغیره انجام گرفت. در این مرحله برای مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد.

برای ارزیابی ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، متغیرهای مستقل ذیل تعریف شده و مورد بررسی قرار گرفتند:

1- CBO's

وابستگی مکانی - پابندی به ارزش‌های اجتماعی - تمایل به ترک محل - نوع مسکن - نگرش‌های پاسخ‌گویان - مدت زمان اقامت در محل - همبستگی و پیوند اجتماعی - تعامل و روابط اجتماعی - محل کار - اعتماد اجتماعی - مشارکت اجتماعی - مساحت مسکن - جنس - سن - تأهل - تحصیلات - وضعیت شغلی.

برای ارزیابی هر یک از این متغیرها، برای هر یک تعریف عملیاتی در نظر گرفته شد و این تعاریف، مبنای طراحی سؤالات در پرسش‌نامه قرار گرفت. انتخاب پاسخ‌گویان به صورت اتفاقی و از اقشار و جنس‌ها و سنین مختلف ساکن یا شاغل در محله (۱۷ تا ۶۷ سال) صورت گرفت.

اقداماتی که جهت حصول اطمینان از روایی و پایایی ابزار سنجش انجام گرفت به شرح ذیل است:

- ۱- رعایت ایجاز و اختصار در طرح سؤالات و تعداد آن‌ها در پاسخ‌نامه.
- ۲- پرهیز از به‌کارگیری کلمات و اصطلاحات ثقیل و پیچیده در طرح سؤالات با توجه به سطح متوسط به پایین سواد در جامعه آماری.
- ۳- استفاده از «روش موازی»؛ توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها در چند روز مختلف و در نقاط مختلف محله (روبه‌روی مسجد، مقابل دبیرستان، پیاده‌رو دو خیابان اصلی محله و...) صورت گرفت.

شناخت محدوده مطالعاتی

محله هادی آباد با جمعیت ۴۱۶۶۴ نفر پیش از تبدیل شدن به سکونت‌گاه، باغ و زمین کشاورزی بوده است. در سال‌های پایانی دهه بیست، اشخاص با نفوذ و فرصت طلب با نیت کسب سود بخش وسیعی از باغات را با قیمت بسیار نازل از مالکین اولیه، خریداری می‌کنند و پس از تفکیک ناقص به صورت مشاع به متقاضیان می‌فروشند و آنان را تشویق به ساخت و ساز سریع می‌نمایند. با گسترش محله به سمت شمال به دلیل عبور رشته قنات آب‌شاد از وسط بافت مسکونی (خیابان مجاهد) ساخت محله شکل خطی و طولی به

خود می‌گیرد. گروه‌های اجتماعی ساکن در محله هادی آباد عمدتاً از اقشار کم درآمد و کم بضاعت هستند که عموماً در چهار دهه اخیر از روستاها و شهرهای اطراف قزوین و به ندرت از سایر استان‌های کشور به این محله مهاجرت نموده‌اند. در مجموع، پایین بودن سطح سواد و عدم وجود مراکز آموزشی و فرهنگی قوی در محله در کنار سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی منجر به افت شدید فرهنگی و اجتماعی و افزایش جرائم و بزه‌کاری در میان جوانان و بروز رفتارهای ناهنجار در میان عده‌ای از ساکنین محله شده است. عمده ساختمان‌های مسکونی دارای بافت قدیمی اند و از مصالح گوناگون بی کیفیت ساخته شده‌اند. از مهم‌ترین معضلات محله تراکم جمعیتی بالا و سرانه مسکونی اندک آن نسبت به سطح شهر قزوین است. باقی شاخص‌های ارزیابی محله نیز عمدتاً نمایان‌گر وضعیت نا مطلوب محیطی، کالبدی، اجتماعی، کارکردی، و اقتصادی محله می‌باشند. ساخت واحدهای مسکونی در هادی آباد، محصول نهایی یک « برنامه‌ریزی غیر رسمی » است که در نهایت موجب پیدایش مجتمع زیستی با سرپناه‌های نامناسب و معماری بومی (معماری بدون معمار) شده است.

حداکثر استفاده از زمین برای ساخت خانه با مصالح متنوع و کم دوام، بافتی خود جوش را موجب گردیده است به طوری که می‌توان گفت مسکن در محله هادی آباد هم‌سازی خود را با شرایط حاکم بر زمین، اقتصاد و رفتارهای اجتماعی حاکم بر آن، البته به گونه‌ای نا مطلوب به دست آورده است.

تحلیل یافته‌ها

الف- یافته‌های تحقیق نشان داد در محله مورد بررسی وابستگی مکانی پاسخ‌گویان به محل زندگی خود ضعیف است (میانگین ۱/۶۳). تمایل به ترک محل زیاد است. میانگین اعتماد اجتماعی مردم در محله هادی آباد در حد متوسط می‌باشد (میانگین ۱/۹۱). میزان همبستگی و پیوند اجتماعی بیش‌تر پاسخ‌گویان در حد متوسط می‌باشد (میانگین ۲/۱۷).

بیشترین پاسخ‌گویان تعامل و روابط اجتماعی متوسطی دارند (میانگین ۱/۷۴). پاسخ‌گویان علاقه متوسطی (کمی بیش‌تر از متوسط) به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله و فعالیت‌های عام‌المنفعه شهر و یا محله خود دارند. اکثریت پاسخ‌گویان علاقه زیادی به مشارکت در فعالیت‌های عمرانی دارند (میانگین ۲/۳۸). بیشترین پاسخ‌گویان پایبندی متوسطی به ارزش‌های اجتماعی دارند (میانگین ۲/۲۹). پاسخ‌گویان در این تحقیق تصور بدی از واقعیت‌های اجتماعی مثل دولت، عدالت و سایر واقعیت‌ها دارند (میانگین ۱/۴۵) و یافته جالب این‌که بیشترین پاسخ‌گویان علاقه و پتانسیل زیادی برای مشارکت در فعالیت‌های جمعی و اجتماعی و عمرانی دارند.

ب- در بخش دوم تحلیل شاخص مشارکت اجتماعی، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. در این مرحله، هر یک از متغیرهای مستقل، به همراه متغیر وابسته به صورت دو به دو مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفتند. با توجه به این‌که تمام متغیرهای مستقل و نیز متغیر وابسته، در سطح سنجش ترکیبی اندازه‌گیری شده‌اند، لذا برای همبستگی و معناداری رابطه از ضریب همبستگی اسپرمن و همچنین در صورت برابر بودن تعداد طبقات سطر و ستون، برای ارزیابی میزان و شدت این رابطه، از آزمون تا او - بی‌کندال و در صورت نابرابر بودن تعداد طبقات سطر و ستون، از آزمون تا او - سی‌کندال استفاده گردید.

جدول ۲. رابطه میان وابستگی مکانی و مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	وابستگی مکانی	مخالقم	تا حدودی موافقم	موافقم	تعداد کل
مخالقم	۲۱	۱۵	۶	۴۲	
تا حدودی موافقم	۷۵	۴۳	۱۷	۱۳۵	
موافقم	۷۵	۵۸	۲۹	۱۶۲	
تعداد کل	۱۷۱	۱۱۶	۵۲	۳۳۹	

اسپیرمن (Spearman)	۰/۰۲۸	تای بی‌کندال (Kendall's tau-b)	۰/۰۲۶
معناداری (Sig)	۰/۶۰۹	معناداری (Sig)	۰/۶۰۷

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت بین دو متغیر وابستگی مکانی و مشارکت اجتماعی هیچ ارتباطی وجود ندارد.

جدول ۳. رابطه میان محل کار و مشارکت اجتماعی

محل کار	همین محله	محلات دیگر	خارج از شهر	تعداد کل
کم	۷	۱۶	۱۴	۳۷
متوسط	۱۳	۵۰	۴۳	۱۰۶
زیاد	۲۸	۴۹	۵۹	۱۳۶
تعداد کل	۴۸	۱۱۵	۱۱۶	۲۷۹

کرامر (Cramer's V)	۴/۵۶	خی دو (Chi-Square)	۰/۰۹۰
معناداری (Sig)	۰/۳۳۵	معناداری (Sig)	۰/۳۳۵

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، با توجه به خی دو محاسبه شده بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

تعیین اهمیت نسبی متغیرهای مستقل

در این بخش از طریق تحلیل مسیر و با استفاده از رگرسیون چند متغیره، سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته به‌طور هم‌زمان، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. ضریب مسیر که در دیاگرام مسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد در این جا همان وزن بتا (Beta) می‌باشد که بر تأثیر مستقیم یک متغیر که علت فرض شده است بر متغیر دیگر

که معلول فرض شده است دلالت می‌کند، در واقع جهت اثر و میزان اثر متغیر علت روی متغیر معلول با ضریب مسیر مشخص می‌شود.

به منظور تحلیل مسیر ابتدا تمامی متغیرهای مستقل و متغیر مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، به روش (Enter) وارد معادله رگرسیونی شدند. از میان متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی با توجه به مقدار t و سطح معناداری آن درمی‌یابیم تنها متغیرهای مستقل مدت اقامت در محل، همبستگی اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی بر متغیر وابسته تحقیق مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیم می‌گذارند. همچنین ضرایب مسیر (Betaها) نشان می‌دهد که از مجموع عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، متغیر مستقل ارزش‌های اجتماعی با بتای $0/317$ بیش‌ترین تأثیر را بر میزان مشارکت اجتماعی (در میان متغیرهای مستقلی که با توجه به سطح معناداری t معنادار شناخته شده‌اند) دارد. علاوه بر این مقدار ضریب تعیین (R^2) که $0/242$ می‌باشد گویای این مطلب است که مجموع متغیرهای نامبرده حدود ۲۴ درصد متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کنند. به عبارتی ۲۴ درصد از واریانس و تغییرات متغیر وابسته ناشی از چهار متغیر مدت اقامت در محل، همبستگی اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی و محرومیت نسبی می‌باشد. در مقابل ضریب تعیین چندگانه (R^2)، ضریب عدم تعیین یا ضریب خطا (e^2) وجود دارد که نمایان‌گر مقادیر تبیین نشده در هر معادله رگرسیونی است و با توجه به این‌که همواره $R^2 + e^2 = 1$ می‌باشد، بنابراین ضریب عدم تعیین در کل پاسخ‌گویان $0/758$ (۷۶ درصد) می‌باشد که بیان‌گر این مطلب است که ۷۶ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط عواملی غیر از متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌گردد.

جدول ۴. مدل رگرسیونی چند متغیره مشارکت اجتماعی

سطح معناداری t	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۱۶۳	۱/۴۰۳		۴/۵۲۳	۶/۳۴۶	عدد ثابت (Constant)
۰/۰۳۲	-۲/۱۶۵	-۰/۱۶۵	۰/۰۲۸	-۶/۱۰۷E-۰۲	مدت اقامت در محل
۰/۳۵۸	۰/۹۲۱	۰/۰۷۰	۰/۶۰۸	۰/۵۶۰	مسکن
۰/۰۳۲	۲/۱۶۹	۰/۱۷۶	۰/۰۵۱	۰/۱۱۰	همبستگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۱۷۲	۰/۳۱۷	۰/۱۰۸	۰/۴۵۰	ارزش‌های اجتماعی اعتقاد به
۰/۶۸۴	-۰/۴۰۸	-۰/۰۳۲	۰/۱۰۹	-۴/۴۶۲E-۰۲	اعتماد اجتماعی

R: 0.497 R Square: 0.247

نمودار مدل مسیر مشارکت اجتماعی



بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که با وجود شرایط نامطلوب اقتصادی و محیطی و حتی ارزیابی پایین و متوسط بسیاری از شاخص‌های اجتماعی مانند وابستگی ساکنین به محل زندگی، برداشت و تلقی از دولت و عدالت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و پابندی ساکنین به ارزش‌های اجتماعی، ظرفیت‌های بالایی جهت مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی و اقدام به مداخله در محلات این چینی وجود دارد. همچنین با سرمایه‌گذاری جهت تقویت همبستگی اجتماعی و تبیین و تبلیغ برای ارزش‌های اجتماعی می‌توان انتظار داشت مشارکت اجتماعی محلی افزایش یابد و برای افزایش همبستگی اجتماعی نیز تلاش برای افزایش اعتماد اجتماعی مؤثر خواهد بود.

محدودیت‌های تحقیق

الف) با توجه به گستردگی جامعه آماری از لحاظ سن و شغل به دلیل ماهیت پژوهش، رعایت تجانس و یک دستی افراد نمونه (که از لحاظ نظری باعث افزایش روایی و پایایی ابزار سنجش می‌شود) امکان‌پذیر نبود.

ب) تعدد شاخص‌های مورد بررسی و تعریف عملیاتی آن‌ها، باعث زیاد شدن تعداد سؤالات پرسش‌نامه گشت. در این حالت، احتمال میزانی از عدم دقت پاسخ‌گویان، منتفی نخواهد بود.

ج) ارائه پیشنهاد عملی با توجه به یافته‌های تحقیق، با توجه به ماهیت علوم انسانی، به طور مطلق و کمی امکان‌پذیر نیست. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

پیشنهاد برای رفع مورد ب در تحقیقات بعدی: ممکن است ارزیابی و تحلیل برخی از شاخص‌ها که به ظاهر مرتبط با موضوع تحقیق به نظر می‌رسند، در عمل، تنها موجب دشوارتر و پیچیده‌تر شدن فرآیند تحقیق و کم شدن روایی و پایایی نتایج گردند و یا اصلاً به نفعی یا اثبات فرضیات و سؤالات تحقیق کمکی ننمایند. در نتیجه رعایت و پابندی به

محدودیت شاخص‌ها و مرزهای پژوهش ضروری است.

با توجه به نتایج به دست آمده، افزایش شاخص‌های همبستگی اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی به افزایش مشارکت اجتماعی منجر خواهد شد. لذا برنامه‌ریزی برای افزایش مشارکت اجتماعی باید معطوف به افزایش این دو شاخص باشد. همبستگی اجتماعی عبارت است از، میزان ارتباط فرد با سایر افراد، پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد و همچنین اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی و امثال آن (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳).

برای افزایش این شاخص‌ها توصیه‌هایی ارائه می‌گردد:

توصیه‌هایی برای افزایش همبستگی اجتماعی

- اختصاص وام، اعتبار و یارانه و بخشودگی عوارض و مالیات جهت تشویق نوسازی، مقاوم‌سازی، بازسازی و بهسازی واحدهای مسکونی بافت.
- مشارکت شهرداری و بخش خصوصی جهت احداث مجتمع‌های مسکونی، تجاری.
- اختصاص اعتبارات مالی و ارزی کم بهره توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی به امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بازسازی و نوسازی بافت.
- واگذاری عرصه‌های خالی واقع در محله به شورایاری جهت تجمع سرمایه‌های محله.
- تسهیل در بروکراسی اداری اخذ مجوزات لازم از ادارات و ارگانهای شهری جهت مشارکت بخش خصوصی در طرح‌های بهسازی و نوسازی.

توصیه‌هایی برای افزایش اعتماد اجتماعی و اعتماد به ارزش‌های اجتماعی

- تأسیس صندوق‌های اجتماعی^۱. به نظر می‌رسد صندوق‌های اجتماعی به دلیل ماهیت محلی و اصول انعطاف‌پذیر حاکم بر آنها می‌توانند نقش مؤثری در ثبات اقتصادی ساکنین محلی داشته باشند.

1- social funds

- پیمان کاری محله‌ای؛ مدل پیمانکاری محله‌ای^۱ فرآیندی مشارکتی است که طی آن در مورد انتخاب ساکنان محلی یا بخشی از آنان به عنوان پیمانکار اجرای طرح‌های محله‌ای توافق می‌شود (برک پور و زندی، ۱۳۸۳). با توجه به ظرفیت‌های محلی ساکنین هادی‌آباد به ویژه در بخش اجرا و نیز تمایل نسبی ساکنین محله به مشارکت در نوسازی، می‌توان با استفاده از این مدل، بخشی از فرآیند نوسازی و بهسازی را به پیمانکاران محلی واگذار کرد.

- احیاء و تقویت هویت و حیات مدنی در سطح بافت و ارتقاء احساس تعلق خاطر ساکنان از طریق ایجاد مراکز جذاب مدنی، اجتماعی و فرهنگی شهری در آن.

- ارائه اختیارات نظام مدیریت محلی از طریق تفویذ فعالیت‌هایی که شعاع عملکرد آنها در سطح محله می‌باشد، به شورایاری محله.

- ایجاد معافیت‌های مالیاتی برای جبران ضعف‌های مالی و کمبود منابع اقتصادی سازمان‌های غیردولتی.

- تعاونی‌ها؛ ایجاد تعاونی‌ها با هدف رفع احتیاجات افراد در سطح محله می‌تواند بستری مناسبی را برای ایجاد حس همبستگی فراهم سازد. تعاونی‌ها با توجه به ماهیت مشارکتی خود می‌توانند محملی برای جذب پتانسیل‌های محلی جهت مشارکت در فرآیند مداخله به حساب آیند.

- اولویت قرار دادن ساکنان محله در کلیه مراحل سرمایه‌گذاری و مشارکت.

1- community contrac

- احمدی، حسن. (۱۳۸۳)، موانع مشارکت شهروندان در فرایند شهرسازی، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد دوم: مدیریت شهری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره سی و شش.
- برک‌پور، ناصر و زندی، گلزار. (۱۳۸۳)، حاکمیت محله‌ای و فرایند مشارکتی تأمین زیرساخت‌های محله، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- برک‌پور، ناصر. (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی شهری، اقتدار گرا و آمرانه یا مردم سالار و مشارکتی، مجله آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱.
- پیربابایی، محمد تقی. (۱۳۸۳)، ظرفیت‌سازی توسعه محله‌ای، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۳)، مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۳.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت (در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله)، مجله هفت شهر، سال سوم، شماره نه و ده.
- رستمی، کاظم. (۱۳۸۲)، نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه روستایی: با تأکید بر مشارکت سنتی و جدید (مطالعه موردی: بخش فلارد شهرستان لردگان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی به راهنمایی محمد حسین پایلی یزدی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۳)، بازتولید سرمایه اجتماعی در سطح محله، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران، انتشارات سمت.

- شوریایی، حسین. (۱۳۸۶)، ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه (نمونه موردی: کوی ۱۳ آبان تهران (شهری))، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، جهاد سازندگی.
- موسوی، سید احمد. (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: کوی طلاب مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- Muir, Jenny. (2004), The Limits of Participation for the Housing Studies, available at: www.elsevier.com (May, 2008).
- Lizaralde, Gonzalo & Massyn, Mark. (2007), Unexpected negative outcomes of community Participation in Low-cost housing projects in South Africa, available at: www.elsevier.com (May, 2008).
- Yuen, Belinda. (2005), Government-aided participation in planning Singapore, available at: Elsevier Ltd. (April, 2008).
- Association Conference Report, **Planning and Housing Policy and Practice**, Belfast 9-10 september 2006.
- Choguill, M.B.G. (1996), **A Ladder of community participation for underdeveloped.**
- Center for Community Work (ccw). Personal Communication, (1997).
- Badshah, Akhtar. (1996), **NGO and Community Partnership for Integrated Development.** In Our Urban Future, London, Zed Books.
- Wakely, Patric. (2008), Capacity Building for better Cities. DPUNews, **Journal of the Development Planning Unit**, London, University College.